

کشف انبار احتکار برنج در مانه و سملقان

فرمانده انتظامی مانه و سملقان از کشف انبار احتکار برنج به ارزش ۶ میلیارد ریال و دستگیری متهم در این شهرستان خبر داد.سرهنگ «علی حسین رختیانی» گفت: در پی اعلام خبری مبنی بر این که فردی با هویت معلوم به نگهداری مقدار قابل توجهی ارزاق عمومی از نوع برنج در یک انبار غیر مجاز

بدهی ۱۰ میلیونی یک سرپرست خانواده را راهی زندان کرد

اسباب بزمی که سبب غم شد

صدفی

سن و سال زیادی ندارد اما تجربه تلخی را پشت میله ها در زندان کسب کرده و به قول خودش امروز سرش به سنگ خورده و درس عبرتی برای فردایش شده است. می گوید تمام بدبختی هایی که در آن ها گیر افتاده زیر سر مواد است.

مدتی است به خاطر بدهی در زندان روزگارش را می گذرانند و منتظر دست یاری دهنده ای است تا از این چاهی که در آن افتاده بیرون بیاید و افسار زندگی اش را دوباره به دست بگیرد تا از سقوط به دره در امان بماند. در ادامه گفت و گوی خبرنگار ما را با زندانی بدهکار می خوانید.

چه شد که سر از زندان در آوردی؟

سر یک ماجرا بدهی بالا آوردم و به خاطر شکایت شاکی به زندان افتاده ام.

چند وقت است که در زندان هستی؟

مبلغ بدهی ات چقدر است؟

نزدیک به سه هفته است که به خاطر بدهی حدود ۱۰ میلیون تومانی در زندان هستم.

اعتیاد و سابقه کيفری هم داشتی؟

اعتیاد داشتم و سر رفیق بازی در لجنزار مواد غرق شدم. سابقه کيفری ندارم و اولین باری است که زندان را تجربه می کنم و این بدترین تجربه برای هر کسی می تواند باشد.

از ماجرای بدهی ات تعریف کن.

کشاورزی می کردم. البته بیشتر با پدرم بودم و با کمک او از پس تأمین مخارج زندگی ام بر می آمدم. بعد از مدت ها بیکاری یکی از دوستانم که قصد فروش لوازم صوتی و نور مجالس اش را داشت از من خواست با قیمت مناسب آن ها را بخرم تا از بیکاری در بیایم.

من قبول کردم و چون زمان خرید پولی در بساط



او برگردانم. مدتی گذشت اما به خاطر کسادى بازار و نبود مجالس و همچنین زیاد شدن دست در بازار نتوانستم خوب کار کنم. به همان مراسم

اندکی هم که می رفتم به زور خرج زندگى ام در می آمد و پولی برای پس انداز به منظور دادن بدهی ام نمی ماند.

این داستان ادامه داشت تا این که چند بار از سوى طلبکارم تهدید به شکایت شدم اما هر بار به او تعهد می دادم بعد از گذشت مدتی طلب اش را بدهم و او از شکایت صرف نظر می کرد. بالاخره نتوانستم بدهی ام را بدهم و او وقتی دید پولی دستش را نمی گیرد از من شکایت کرد و من را به زندان انداخت.

متاهل هستی؟

بله متاهل هستم و یک دختر خردسال دارم که آن ها شرایط سختی را می گذرانند.

تا کی باید در زندان بمانی؟ از جایی کمک گرفته‌ای؟

تا زمانی که بدهی ام را به شاکی ندهم باید پشت میله ها در زندان بمانم. البته پدرم با وجود این که خودش گرفتار است و کلی بدهی دارد دنبال کارهای من است اما او هم به خاطر خشکسالی های اخیر درآمد کشاورزی به زور کفاف زندگى اش را می دهد و دستش خالی است. بعد از زندانی شدنم ستاد دیه دست به کار شد و قول داد به من کمک کند تا از این مخمصه خارج شوم و از فروپاشی زندگى ام جلوگیری کنم.

خانواده ات بعد از این اتفاق چه کار کردند؟

همسرم به دلیل این که قبل از این ماجرا سختی های زیادی را بابت بیکاری و البته اعتیادم تحمل کرده بود این بار زیر مشکلات زندگى تاب نیاورد و به خانه پدرش رفت و منتظر است تکلیف من مشخص شود تا تصمیم قطعی اش را بگیرد. امیدوارم با کمک ستاد دیه بتوانم طلب شاکی را بدهم و با گرفتن رضایت او از زندان آزاد شوم و تا دیر نشده و همسرم راه دادگاه خانواده را در پیش نگرفته بتوانم زندگى توان زده ام را به ساحل آرامش برسانم.

فکر می کنی مقصر این ماجرا چه کسى است؟

مقصر اول و آخر این ماجرا خودم هستم زیرا در دوران مجردی ام با وجود تذکرها و تهدیدهای خانواده ام برای دوری از مواد گوشم بدهکار نبود و با رفیق بازی و شرکت در دورهمی های آلوده خودم را گرفتار مواد افیونی کردم و این سراغاز تمام مشکلاتم شد. اگر در دام اعتیاد گرفتار نمی شدم این قدر تحقیر نمی شدم و با وجود سن کمى که دارم نباید سر از زندان در می آوردم.

اقدام می کند، بلافاصله موضوع به صورت ویژه در دستور کار ماموران پلیس آگاهى این فرماندهى قرار گرفت. وى با اشاره به این که ماموران با هماهنگى مقام قضایى به همراه کارشناسان مربوطه به محل مورد نظر اعزام شدند، افزود: ماموران در بازرسى از این انبار موفق به کشف ۶۱ تن برنج شدند که

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان شمالی

فرمان شمالی

به صورت غیر مجاز انبار شده بود.این مقام انتظامی با اشاره به این که در بررسی های به عمل آمده ارزش کلای کشف شده ۶ میلیارد ریال اعلام شد، خاطرنشان کرد: در این عملیات ماموران موفق شدند متهم را دستگیر و به مقر انتظامی منتقل کنند.

در راهروی دادگاه خانواده

رفیق نیمه راه

به من می گفت اصلا دوست ندارد درباره او صحبت کند چون از او متفر است و یادآوری این ماجرا حالش را بد می کند. با این ترندها هر بار وعده اش را عقب می انداخت. بعد از مدتی دیگر مثل سابق به من توجه نمی کرد تا این که دلیل اش را از او جویا شدم.

همسرم با چرب زبانی گفت به خاطر زن اولش اعصابش خرد است برای همین حوصله هیچ کس حتی من را ندارد. به من پیشنهاد داد برای خلاص شدن از دست هوویم از هم جدا شویم. با شنیدن این حرف اول ناراحت شدم و تعجب کردم اما شوهرم گفت نگران نباشم جدایی مان صوری است و بعد از این که همسر اولش را طلاق داد دوباره ما به عقد هم در می آییم و در واقع این کار برای فریب همسر اولش است. من که دل خوشی از هوویم نداشتم به خیال این که از دست او راحت می شوم قبول کردم و با دست خودم مهر طلاق را بر شناسنامه ام زدم.

بعد از جدایی منتظر بودم که همسرم زن اولش را طلاق بدهد تا با هم ازدواج کنیم اما خبری نشد. وقتی دیدم همسرم من را فراموش کرده به سراغش رفتم اما به من گفت کاری به کار من ندارد چون زن و شوهر نیستیم و مشکلاتم به خودم ربط دارد و او در این زمینه مسئولیتی ندارد. با شنیدن این جملات تنم یخ زد و عرق سردی بر پیشانی ام نشست. تازه بعد از آن بود که متوجه شدم چه کلاهی سرم رفته است، برای همین به دادگاه خانواده آمدم تا با شکایت از شوهر متقلب ام حق و حقوق را بگیرم.

حادثه در شهر

خواستم ابرویش را درست کنم اما ...

ام ریختم که ناگهان با گریه و فریاد او مواجه و متوجه شدم سرکه وارد چشمانش شده و در حال سوختن است. هر اسان بچه را بغل کردم تا زیر دوش بگیرم اما از شدت عجله و ترس، سرش را در حین بردن به حمام به دیوار کویدم که متاسفانه در این ماجرا شکست. وى اظهار کرد: بعد از این اتفاق به ناچار پسرمر را به بیمارستان بردم تا علاوه بر چشم اش، سرش را هم درمان کنم. با سهل انگاری ام چیزی نمانده بود که چشم فرزندم آسیب ببیند و به قول معروف می خواستم ابرویش را درست کنم اما چشم اش را کور کردم.

آگهی مزایده اموال غیرمنقول (اسناد ذمه)

آگهی مزایده اموال غیرمنقول (اسناد ذمه) کلاسه اجرائی ۹۵۰۰۳۳۷

به موجب پرونده اجرائی کلاسه ۹۵۰۰۳۳۷ سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه محوطه مشجر به شماره پلاک ۱۸ فرعی از ۶۲ اصلی واقع در شوقان بخش ۶ بجنورد فاقد مساحت به آدرس:

کلاته شوقان از توابع بخش شوقان شهرستان جاجرم ذیل ثبت ۶۸۱ دفتر ۶ صفحه ۵۵۹ به نام محمد حسین قلی زاده پهلوانلو فرزند حضرتقلی به ش ش ۶ ثبت و صادر گردیده است. محدود به حدود: شمالاً: در دو قسمت دیواربست به اراضی مشاع دو دیواربست به محوطه شماره ۱۷ ورثه خداداد که دیواربست به راه عام. شرقاً: دیواربست به راه عام. جنوباً: ۱- در دو سمت دیواربست به محوطه شماره ۱۹ حسنقلی و غیره دو قسمت دیواربست به محوطه شماره ۲۰ مستدعی قسمت دوم غرب مجاور است سه دیواربست به محوطه شماره ۲۳ ورثه ولی. غرباً: دیواربست به اراضی مشاع. حقوق ارتفاقی ندارد. سپس بانک برابر وارده ۰۷۸۵۰۰۷۱۴۸۰۰۵۰۷۱۳۹۷۰-۲۳/۵/۹۷ درخواست مزایده پلاک فوق را نموده لذا سهم الارث خانم هاجر قلی زاده پهلوانلو از پلاک مذکور طبق نظر کارشناس رسمی به مبلغ ۰۰۰/۲۵۰/۲۷۸ ریال ارزیابی شده است و مشخصات اجمالی پلاک فوق بدین شرح می باشد
زمینی به مساحت ۵۵۶۵ مترمربع روبروی مسجد روستا در کوچه ۸ متری موقعیت ملک غیرقابل کشاورزی، وصل به روستا، مسکونی می باشد که قسمت میانی ملک دامداری مخروبه بوده به صورت قطعات تفکیکی پی کنی شده است بعد از کسر سهم الارث همسران مرحوم حاج محمد حسین سهم الارث خانم هاجر قلی زاده پهلوانلو در قطعه زمین مسکونی مساحت ۴۶۳ مترمربع برآورد می گردد که مقدار ۰۴/۳۳۴ هزارم سهم مشاع از مدار ۴۶۳ سهم از ۵۵۶۵ سهم مشاع از سه دانگ قابل انتقال پلاک فوق از ساعت ۹ الی ۱۲ روز شنبه مورخ ۹۷/۶/۲۴ در اداره ثبت اسناد و املاک جاجرم واقع در جاجرم خیابان شهید باهنر نبش باهنر ۱۲ از طریق مزایده به فروش می رسد. مزایده از مبلغ دویست و هفتاد و هشت میلیون و دویست و پنجاه هزار ریال (۰۰۰/۲۵۰/۲۷۸ ریال) شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقداً فروخته می شود. لازم به ذکر است پرداخت بدهی های مربوط به آب، برق و گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از این که رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیز در صورت وجود مازاد، وجوه پرداختی بابت هزینه های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهد شد و نیم عشر و حق مزایده نقداً وصول می گردد. ضمناً چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی گردد، مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر بر گزار خواهد شد.
(تاریخ انتشار ۹۷/۶/۴)

اردلان محمدی کوشکی – کفیل ثبت اسناد و املاک جاجرم

۱۶۰م/الف

دادورز شعبه اول اجرای احکام مدنی دادگستری بجنورد– کریمی

۹۷۰۰۸۸۷۰ر/